

پرسش ۴۷۴: چند سوال عقائدی

السؤال / ۴۷۴: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
السلام على بقية آل محمد (ع). أرجو الله أن يكون مولاي بخير وعافية وأسأله
الفرج لآل محمد (ص) عاجلاً عاجلاً إنه كريم مجيب.

سؤال / ۴۷۴: بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.
سلام بر بقیه آل محمد (ع). از خداوند می‌خواهم که مولایم در خوبی و سلامتی
باشد، و از خداوند فرج خیلی زود و زود برای آل محمد (ع) درخواست می‌کنم، خداوند
کريم و پاسخ گوست.

سیدی، أسأل الله أن يغفر لي تفريطي في جنبه وأن يتوب عليّ من تقصيري في
حکم عليّ.

آقای من، از خداوند می‌خواهم که زیاده روی مرا در کنارش ببخشد، و توبه مرا در
کوتاهی من در حق شما بپذیرد.

تحدث أخونا محمد الصوفي إلى عدد من الأخوان في خصوص إنشاء "بيت
مال" في كندا، على غرار ما سبق به بعض الأخوة في بعض البلدان الغربية،
يخصص عائدته لنشر الدعوة المباركة ومساعدة المحتاج. وقد كلفني أخي أن أكتب
إيكم في طلب الإجازة.

برادر ما محمد صوفی به چند نفر از برادران مان در مورد ایجاد بیت‌المال در کانادا
سخن گفت، بر اساس کاری که بعضی از برادران در کشورهای غربی انجام دادند، و

سود آن برای نشر دعوت مبارک و کمک به نیازمند اختصاص داده شود. و برادرم مرا مُکلف نموده تا برای دریافت اجازه به شما نامه‌ای بنویسم.

ولدي سيدي بعض الأسئلة فيما يلي:

پدرم و آقایم، بعضی از سؤالات این است:

۱- العالم الجسماني هل فيه متسع للتصحيح والتوبة أم هو تحصيل حاصل لعالم الذر، وفي الفرضين إلى أي حد هو كذلك؟

۱- آیا در عالم جسمانی مجال تصحیح و توبه وجود دارد یا تحویل حاصل عالم ذر است، و در هر دو فرض تا چه حدی است؟

۲- عندما قيل لنبي الله يعقوب (ع) إن ابنك سرق .. قال: بل سولت لكم أنفسكم أمراً، ماذا قصد بقوله وقد كان في هذا الحدث بشارة رجوع يوسف (ع)؟

۲- وقتی به پیامبر خدا یعقوب (ع) گفته شد: فرزندت دزدی کرد... فرمود: نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است!، منظور از سخن ایشان چه بود، و آیا در این حادثه بشارت بازگشت یوسف (ع) بود؟

۳- (وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ) ([113]) .. التعريف على أي وجه؟

۳- (و آنها را در بهشت که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند) ([114])
تعریف به چه وجهی است؟

۴- (وَيَذَعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءُهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً) ([115]) ما معناها؟

۴- (انسان بدی ها را طلب می کند آن گونه که نیکی ها را می طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است!) ([116]) معنای آن چیست؟

۵- (فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ) ([117]) من هو الإنسان في هذه السورة، هل الكامل أم الجهل؟

۵- (و برای او هیچ نیرو و یاورى نیست!) ([118]) انسان در این سوره کیست، آیا همان انسان کامل است یا نادانى است؟

ولدي مسائل خاصة:

۱- هل النسب التالي صحيح:

(فهو الشيخ السلطان عبد الله بن محمد الباقر (الذي قدم إلى السودان من مكة المشرفة) بن السيد علي المدني (المتوفى بالمدينة المنورة في عام ۸۸۹هـ) بن شهوان الحسيني الجميلي بن عمران بن علي نور الدين بن محمد وفا أبو العباس (المتوفى في مصر عام ۷۶۸هـ) بن علي نور الدين بن السلطان حسين أبو علي بن السلطان حسن الأكبر بن الإمام علي المكي بن السيد إبراهيم (المتوفى في المغرب) بن الزاهد أبي القاسم محمد بن أبي بكر بن إسماعيل الذهبي بن عمر بن علي الفاسي بن عثمان بن حسين الأتور بن محمد الحسيني بن موسى بن يحيى بن عيسى ابن علي بن محمد التقي بن حسن بن جعفر التواب بن الإمام علي الهادي بن محمد الجواد بن الإمام علي الرضا بن الإمام موسى الكاظم بن الإمام جعفر الصادق بن الإمام محمد الباقر بن الإمام علي زين العابدين بن الحسين بن علي بن أبي طالب.

و سؤالات خاصی دارم:

۱- آیا نسب زیر صحیح است:

(و ایشان شیخ سلطان عبد الله بن محمد باقر "فردی که از سودان به مکه مشرفه آمد" بن سید علی مدنی "فردی که در مدینه منوره و سال ۸۸۹هـ وفات یافت") بن شهوان حسینی جمیلی بن عمران بن علی نور الدین بن محمد وفا أبو العباس "فردی

که در مصر و سال ۷۶۸هـ وفات یافت" بن علی نور الدین بن سلطان حسین أبو علی بن سلطان حسن اکبر بن امام علی مکی بن سید ابراهیم "فردی که در مغرب وفات یافت" بن زاهد اَبی القاسم محمد بن اَبی بکر بن اِسماعیل ذهبی بن عمر بن علی فاسی بن عثمان بن حسین اَنور بن محمد حسینی بن موسی بن یحیی بن عیسی ابن علی بن محمد تقی بن حسن بن جعفر تواب بن امام علی هادی بن محمد جواد بن امام علی رضا بن امام موسی کاظم بن امام جعفر صادق بن امام محمد باقر بن امام علی زین العابدین بن حسین بن علی بن اَبی طالب(ع).

وهذا النسب منقول عن وثيقة السيد محمد الطاهر بن الأمين العبدلابي يقدر تاريخ كتابتها إلى أكثر من ۱۵۰ عام وهي منقولة عن نسب قديم كتب قبل أكثر من ۴۰۰ عام ولدي نص تلك الوثيقة وأبناء عم الشيخ عبد الله وهم عائلة الشريف في فلسطين ارتحلوا من مكة أيضاً). انتهى النسب وأسأل لأنه النسب الذي يدعيه "العبدالاب" وهم أجدادي، وهناك رواية أخرى تنتهي إلى عبد الله بن عباس هي المشهورة.

این نسب از سند سید محمد طاهر بن امین عبدلابی نقل شده که تاریخ نوشتن آن به بیشتر از ۱۵۰ سال می‌رسد و آن از نسب قدیمی نقل شده که قبل از بیشتر از ۴۰۰ سال نوشته شده است، و نزد من متن آن سند است، و فرزندان عموی شیخ عبدالله که آن‌ها از خانواده شریفی در فلسطین هستند که نیز از مکه کوچ نمودند، نسب به اتمام رسیده است، و سؤال می‌کنم: چون این نسبی است که عبدالاب آن را ادعا می‌کند، و آنان اجداد من هستند، و روایت دیگری وجود دارد که به عبدالله بن عباس می‌رسد و آن مشهور است.

۲- أعاني من علة مزمنة فشلت كل أسبابي في معرفة أصلها وبالتالي معالجتها أسألك الدعاء أن يشفيني الله منها.

۲- من از علت مُزْمِنِي رنج می‌کشم، و همه اسباب من در شناخت اصل آن شکست خورده و در نتیجه درمان آن را بفرمایید، از شما می‌خواهم که دعا نمایید که خداوند مرا از این بیماری شفادهد.

۳- توفي والدای علی مذهب السنة ولا أستطيع إلا أن أدعو لهما ولجدي التي لها فضل عليّ يعلمه الله، وأجد في ذات الوقت حرجاً في ذلك .. هل عليّ حرج في الدعاء بالمغفرة لهؤلاء الثلاثة.

۳- والدین من بر مذهب اهل سنت از دنیا رفتند، و کاری جزء دعا نمی‌توانم برای آنها و برای مادر بزرگم که فضلی از او برگردنم است که خدا آن را می‌داند بکنم، و در عین حال و به خاطر آن سختی می‌بینم... آیا با دعا کردن برای آمرزش این سه فرد ضرری به من می‌رسد؟

فَرَجَ اللهُ عَنْكُمْ بِحَقِّ آبَائِكُمُ الطَّاهِرِينَ وَجَعَلَ فَرَجَنَا مِنْ فَرَجِهِ عَلَيْكُمْ .. وَأَسْأَلُكُمْ مَوْلَايَ دَعَاءَكُمْ الَّذِي طَالَمَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ، فَادْعُ اللهُ لِي أَنْ يَشْرَحَ صَدْرِي وَيَسِّرَ أَمْرِي وَأَنْ يَقْبَلَنِي فِي الدَّعْوَةِ إِلَىٰ وَوَلِيهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أَرْضِهِ وَأَنْ يُوَفِّقَنِي فِي صَلَاةِ رَحْمِي وَدَعْوَتِهِمْ إِلَىٰ الْحَقِّ عَلَىٰ أَكْمَلِ مَا يَرِيدُ.

خداوند به حق پدران پاک و طاهرتان فَرَجَ شمارا برساند، و فَرَجَ ما را در فرج خداوند بر شما قرار دهد... مولای من، دعایتان را می‌خواهم که همیشه به آن نیاز دارم، از خداوند بخواهید که سینه مرا گشاده گرداند و کارم را آسان کند و مرا در دعوت به ولی و خلیفه او در زمین قبول کند، و مرا در صلۀ رحمم و دعوتشان به حق موفق نماید، با کامل‌ترین صورتی که می‌خواهد.

والسلام على بقية آل محمد(ع)، وأرجو أن تبلغ سلامي إلى مولاي بقية الله ووجته صلوات الله عليه وآله وآبائه واعتذاري إليه(ع) من تقصيري وأن يتفضل عليّ بدعائه الشريف المبارك.

المرسل: السلماني الذري

سلام بر بقیه آل محمد (ع)، تمنا دارم که سلام مرا به مولایم بقیه الله و حجتش که درود خداوند بر وی و خاندان و پدرانیش برسانید، و عذرخواهی مرا به سبب کوتاهی ام، و این که با دعای شریف و مبارکش بر من تفضل نماید.

فرستنده: سلمانی ذری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم وتسليماً.
وفقكم الله لكل خير وسدد خطاكم.**

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و
سلم تسليماً.

خداوند شمارا برای انجام هرکار خوبی موفق کند و قدم‌هایتان را محکم نماید.

**ج س ۱: هو أكيد فرصة أخرى وامتحان آخر، ولكن إن كنت تسأل عن
النتيجة فيه فهي نفسها في الذر، ليس لأن الناس مجبورون على تحقيق
نفس النتيجة، وإنما هم يعيدون نفس التقصير.**

ج س ۱: قطعاً فرصت دیگر و امتحان دیگری است، ولی اگر از نتیجه در آن
می‌پرسی، و آن همان نتیجه در عالم ذر است، نه این که مردم مجبور هستند که همان
نتیجه را تحقق کنند، بلکه آنان خود همان کوتاهی را تکرار می‌کنند.

ج س ۲: عندما فقد يعقوب (ع) بنيامين (قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ) ([119]) وهو يقصد الأمر الأول؛ أمر القائم يوسف في الجب، فهو علم من الله أن فقدان ابنه الثاني بنيامين سببه أيضاً فعلتهم الأولى، وهي القائم يوسف في الجب (وَجَاؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ) ([120]).

ج س ۲: وقتی یعقوب (ع) بنیامین را از دست داد: (نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می‌کنم، صبری زیبا، امیدوارم خداوند همه آن‌ها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است!) ([121]) و منظورش امر اول است؛ امر انداختن یوسف (ع) توسط آنان در چاه گود، و او از سوی خداوند دانست که از دست دادن فرزند دومش بنیامین نیز سببش همان کار اول آنان است، و آن همان انداختن یوسف در چاه گود توسط آنان (و پیراهن او را با خونی دروغین آوردند؛ گفت: «هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل خواهم داشت؛ و در برابر آن چه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!») ([122]).

ج س ۳: بالرؤيا والكشف عرفها لهم، فهم قد رأوا الجنة ورأوا مقاماتهم فيها بفضل الله عليهم، وهم في هذه الحياة الدنيا.

ج س ۳: با رؤیا و مکاشفه به آنان شناساند، آنان بهشت را دیدند، و جایگاه خودشان را در آن جا با فضل خدا برآنان دیدند، درحالی که آنان در این زندگی دنیا هستند.

ج س ۴: أي إن الإنسان يعجل بالحكم على ما يواجهه، فكم مرة تحكم على أمر أنه لو كان بهذه الصورة أفضل، ولكنك في النهاية تجد أن الخير فيما كان وليس فيما أردت. وكم مرة تحكم على أمر أنه كذا فتجد الحقيقة هي خلاف ما حكمت، وهكذا. فالإنسان بسبب عجلته ربما يقع منه الخطأ فلا يميز بسبب العجلة بين الخير والشر ولو أنه تأنى وتوكل على الله

وطلب الهداية من الله لما هو أقرب رشداً لأرشدته الله وبين له ما ينفعه وما يصلح حاله.

ج س ۴: یعنی انسان با حکم دادن به چیزی که با آن مواجه شده شتاب می کند، چه بسا بارها در مورد مسئله حکم می کنید که اگر به این شکل باشد بهتر بود، ولی در نهایت می بینی که خیر در آن چه اتفاق افتاد می باشد نه چیزی که اراده نمودی، و چه بسا بارها در مورد مسئله ای حکم نمودی که این گونه است، ولی می بینی که حقیقت برخلاف چیزی که حکم نمودی می باشد، و این چنین، و انسان به خاطر عجله اش چه بسا خطایی سر می زند و به سبب عجله اش نمی تواند بین خیر و شر تمیز قایل شود، ولی اگر ایشان صبر می کردند و بر خداوند توکل می نمود و از خداوند هدایت به آن چه به رشد نزدیک تر است بخواهد، قطعاً خداوند او را هدایت می کند و آن چه به نفع و به صلاح حالش است را برایش معلوم می کرد.

ج س ۵: هي في كل إنسان.

ج س ۵: این مسئله در همه انسان هاست.

جواب المسألة الخاصة:

ج س ۱: **وفقكم الله لكل خير بالنسبة لئسبكم فهو إن شاء الله نسب شريف ولكن وفقك الله كن أنت نسباً ينتسب له ويفخر الناس من بعدك بالانتساب لك؛ لأنك نصرت الله سبحانه في زمن عز فيه الناصر للحق.**

جواب سؤالات خاص:

ج س ۱: خداوند شما را برای هر کار خوبی موفق کند، در مورد نسب شما ان شاء الله نسب شریفی است، خداوند شمارا موفق کند، اما شما نسبی باش که به آن منتسب

شوند و بعد از شما مردم به انتساب به آن افتخار کنند، چون شما در زمانی که یاران حق اندک است، و خداوند سبحان را یاری دادید.

ج س ۳: لا حرج عليك في الدعاء لهم وتقول في دعائك إن ختم لهم بخير، فأنتم لا تعلمون من شاء الله أن يختم له بالخير فجعل له أن يعدل إلى الحق في ختام حياته. وإن كنت تريد معرفة حالهم وما آلوا إليه فصم ثلاثة أيام متتالية وأقرأ في كل يوم فيها سورة يس ثلاث مرات وإذا شاء الله فسيعرفك حالهم في الرؤيا أو فيما يشاء سبحانه وتعالى.

ج س ۳: به خاطر دعایت بر آنان حرجی نیست، و در دعایت بگوی که عاقبتشان به خیر شود، و شما نمی دانید عاقبت چه کسی را خداوند به خیر نموده است، و خداوند در پایان زندگی اش وی را به سوی حق برگرداند، و اگر می خواهی حال آنان را بدانی و عاقبتشان را بدانی، سه روز متوالی روزه بگیر و در هر روز سوره یس را سه مرتبه بخوان، و اگر خداوند بخواهد حالت آنان را در رؤیا یا هر راهی که خداوند سبحان و متعال می خواهد به شما نشان می دهد.

ج س ۲: أسأل الله أن يمن عليك ويرحمك ويفعل بك ما هو أهله هو أهل التقوى وأهل المغفرة.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ۱۴۳۱ هـ

ج س ۲: از خداوند می خواهم که به شما منت بدهد و به شما رحم کند و با شما رفتاری کند که اهل آن است، چون ایشان اهل تقوا و اهل امرزش است.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - جمادى الأولى / ۱۴۳۱ هـ



- [113] - محمد: 6.
- [114] - محمد: 6.
- [115] - الإسراء: 11.
- [116] - اسراء: 11.
- [117] - الطارق: 10.
- [118] - طارق: 10.
- [119] - يوسف: 83.
- [120] - يوسف: 18.
- [121] - يوسف: 83.
- [122] - يوسف: 18.